

نکاتی پیرامون بهبود عملکرد اتاق ارز ایران

مهدی رضائی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ابزار اقتصادی

اتاق ارز ایران به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد و امید می‌رود تا در این شرایط اقتصادی، این اتاق بخش کثیری از مشکلات تقاضاکنندگان ارز را بر طرف نماید و نیز این امید وجود دارد که تاسیس این اتاق منجر به ایجاد بورس ارز در ایران شود. قبل و بعد از بازگشائی رسمی اتاق ارز ایران، اظهارنظرهای منفی و مثبت متعددی از سوی بخش‌های خصوصی و دولتی در زمینه شکل‌گیری این اتاق ابراز گردید. این نوشتار با توجه به مشکلات اقتصادی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور، سعی می‌کند تا برخی از نکات را برای بهبود عملکرد این اتاق بیان نماید.

آنگونه که منابع رسمی اعلام می‌کنند، پس از بررسی تقاضای واردکنندگان و تعیین اولویت و ثبت سفارش، واردکنندگان از سوی اتاق ارز به بانکهای عامل برای دریافت ارز هدایت می‌گردند. نرخ ارز در این اتاق، ۲ درصد زیر نرخ بازار آزاد ارز بوده و همچنین این اتاق به اولویت‌های سه تا پنج پاسخگوست. ارزی که در این مرکز عرضه می‌شود، حاصل از فروش محصولات پتروشیمی که متعلق به شرکت پتروشیمی است و ارز حاصل از فروش نفت و صندوق توسعه ملی است. در شرایط خاص اقتصادی، احتمالاً تقاضای ارز از سوی مردم بیش از نیازهای وارداتی کشور می‌باشد تا از این طریق مردم بتوانند ارزش دارائی‌های خود را حفظ کنند. تاسیس اتاق ارز از سوی دولت می‌تواند موجب شفافیت بازار ارز و شناسائی تقاضاکنندگان حائز صلاحیت ارز گردد؛ با اینحال نخستین نکته‌ای که به آن می‌توان پرداخت و یکی از نگرانی‌های واردکنندگان نیز می‌باشد، این است که چرا نرخ ارز عرضه شده در این اتاق، باید ۲ درصد زیر نرخ بازار آزاد باشد. آمارها نشان می‌دهد که علیرغم همه کوشش‌ها، نرخ ارز در بازار آزاد روند صعودی خود را حفظ کرده است و این نوع تعیین نرخ ارز در این اتاق، فقط منجر به شکاف نرخ ارز در اتاق با بازار آزاد به اندازه ۲ درصد می‌شود و نمی‌تواند جلوی روند صعودی نرخ ارز را بگیرد. واقعیت این است اتاق ارز فقط می‌تواند از طریق شناسائی حائزین صلاحیت تقاضای ارز، قدری از فشار تقاضا برای ارز را مهار کند؛ زیرا همانطور که گفته شده، حفظ ارزش دارائی یکی از عوامل اصلی تقاضای ارز در کشور است. پیامد اینگونه تعیین نرخ ارز از سوی اتاق، نمی‌تواند موجب کاهش چشمگیر عدم اطمینان در جامعه و مهار تقاضای زیاد ارز در کشور

شود. برخی از کارشناسان، رژیم نرخ ارز شناور مدیریت شده را برای اقتصاد ایران توصیه می‌کنند و معتقدند که تاسیس اتاق ارز می‌تواند به پیاده‌سازی این سیاست ارزی در آینده کمک کند. اگر اقتصاد ایران در شرایط اقتصادی فعلی نبود، به حتم رژیم ارز شناور مدیریت شده، بهترین سیاست ارزی می‌بود؛ اما در این شرایط، پیاده‌سازی این رژیم به دلیل محدودیت منابع ارزی دشوار است و همچنین با توجه به ساختار و رویه کار اتاق ارز، عملیات این اتاق با بورس ارز فاصله زیادی دارد و نمی‌تواند نقش بورس ارز را برای اجرای گام به گام نیل به نرخ ارز شناور، حتی مدیریت شده آن را ایفاء کند.

برای کاهش تلاطم در بازار ارز می‌توان فاصله نرخ ارز تعیین شده در اتاق ارز با بازار آزاد را افزایش داد و در کنار آن، سعی کرد تا به جای افزایش روزانه، از افزایش هفتگی یا ماهانه استفاده کرد؛ زیرا در این صورت، از نوسانات نرخ ارز در اتاق ارز نیز جلوگیری می‌گردد و عدم اطمینان واردکنندگان حائز صلاحیت در اولویتهای سه تا پنج نیز کاهش می‌یابد؛ ضمن اینکه اگر تاسیس اتاق ارز مقدمه‌ای برای عزیمت به نرخ ارز شناور مدیریت شده باشد، باید خاطر نشان کرد که در سازوکار نرخ ارز شناور مدیریت شده، افزایش‌های دوره‌ای نرخ ارز، در فواصل یک یا چند ماه صورت می‌گیرد. برخی از تولیدکنندگان این نگرانی را دارند که با توجه به افزایش مستمر نرخ ارز در بازار آزاد، این نوع تعیین نرخ ارز در اتاق، نمی‌تواند منجر به کاهش هزینه واردات مواد خام و واسطه‌ای و ماشین‌آلات برای آنها گردد؛ لذا می‌توان در کنار افزایش فاصله نرخ ارز در اتاق و بازار آزاد، دامنه شمول اولویتهای یک و دو را افزایش داد. توجه گردد که منابع ارزی اتاق، از سوی نهادهای غیر بخش خصوصی تامین می‌گردد. این نوع تامین ارز، ضمن اینکه منجر به شائبه‌هایی در جامعه مبنی بر دخالت دولت در کسب‌وکار ارز می‌گردد، منابع تامین ارز اتاق را نیز محدود می‌کند؛ ضمن اینکه یکی از بخشهای تامین‌کننده ارز اتاق، صندوق توسعه ملی می‌باشد و برنامه پنجم توسعه، مسئولیتهای خاصی را برای این صندوق در نظر گرفته است که جدای تامین ارز برای واردکنندگان می‌باشد؛ بنابراین می‌توان ضمن دخالت دادن صادرکنندگان بخش خصوصی در تامین ارز مورد نیاز اتاق و گسترش دامنه اولویتهای یک و دو واردات، منابع ارزی برنامه‌ریزی شده صندوق توسعه ملی را برای واردات موارد خاص استفاده کرد؛ نظیر واردات ماشین‌آلات و تجهیزات و اولویتهای یک و دو واردات.

حال این نکته مطرح می‌گردد که اگر قرار بر این باشد که بخش خصوصی در تامین ارز اتاق دخالت کند و فاصله نرخ ارز در این اتاق با بازار ارز نیز بیش از ۲ درصد باشد، آیا صادرکنندگان بخش خصوصی مایل خواهند بود تا با این اتاق همکاری کنند. باید توجه کرد که اجرای سازوکار ارز شناور در کشور با توجه به شرایط کنونی مشکل است و تمامی آحاد جامعه این واقعیت را می‌دانند. جدای از این واقعیت، می‌توان بررسی کرد که آیا صادرکننده بخش خصوصی از فروختن ارز به اتاق ارز متضرر خواهد شد یا خیر و این می‌تواند یکی از مولفه‌های تعیین نرخ ارز در اتاق باشد.

به غیر از مشکلاتی که در بالا در رابطه با نحوه تامین منابع ارزی اتاق ارز ذکر گردید، نکته دیگر این است که گرچه بانک مرکزی در تامین ارز اتاق ارز دخالت نمی‌کند و شاید تنها وظیفه بانک مرکزی در این میان، اعلام اطلاعات بازار به اتاق باشد، اما در این سازوکار اتاق، شرکت پتروشیمی، شرکت نفت و صندوق توسعه ملی نقش بانک مرکزی را ایفاء می‌کنند و تامین ارز اتاق ارز سوی این نهادها، تورم‌زا خواهد بود؛ مخصوصاً اینکه یکی از دلایل ایجاد صندوق توسعه ملی، سترون کردن درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت می‌باشد؛ بدین معنی که تمامی ارزهای حاصل از صادرات نفت خام، به پول ملی تبدیل نگردد. این امر به مطالب مورد اشاره در سطور قبلی صحنه می‌گذارد که می‌باید صادرکننده بخش خصوصی در تامین منابع ارزی اتاق وارد شود. منابع ارزی موجود در صندوق توسعه ملی به حتم تنها می‌باید به تامین موارد خاص و اولویتهای یک و دو اختصاص یابد و از آنجا که ارز به این اولویتهای با نرخ مرجع فروخته می‌شود، آثار تورمی کمی در برخواهد داشت.

به طور خلاصه جمع‌بندی این مقاله این موارد می‌باشد: ۱- افزایش فاصله نرخ ارز تعیین‌شده در اتاق با بازار آزاد ۲- دخالت دادن صادرکنندگان بخش خصوصی در تامین ارز اتاق و مد نظر دادن سود آنها ۳- گسترش حیطه اولویتهای یک و دو واردات و تخصیص ارز به آنها از سوی صندوق توسعه ملی با نرخ مرجع ۴- احتیاط در رابطه با آثار تورمی این شکل از تامین ارز اتاق ارز و نرخ‌گذاری تبدیل ارز به ریال در اتاق ۵- افزایش طول دوره نرخ‌گذاری ارز در اتاق ارز در جهت کاهش ناطمینانی واردکنندگان.